دو خواهر یک ماه در انباری حبس بودند

نجات «نارین» و «آیلین» از خانه وحشت

گروه حوادث: دو خواهر سنندجی که زیر شکنجه‌های پدر و نامادری به یک قدمی مرگ رسیده بودند با کمک همسایه‌ها، پلیس، بهزیستی و اورژانس اجتماعی از خانه جهنمی نجات یافتند و بزودی حضانت آنها به مادرشان سپرده خواهد شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چهارشنبه هفته قبل همسایه‌های یک خانه ویلایی در روستای حاجی‌آباد سنندج وقتی برای چندمین بار صدای فریادهای کمک‌خواهی دو دختر همسایه را شنیدند با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و درخواست کمک کردند. یکی از همسایه‌ها گفت: «مدتی است که از خانه همسایه‌مان صدای گریه‌های دو دختر شنیده می‌شود، این بچه‌ها نامادری دارند و فکر می‌کنم بچه‌ها را آزار می‌دهند.»

پس از این تماس، دقایقی بعد مأموران پلیس و اورژانس اجتماعی به محل رفته و چون کسی در خانه را باز نکرد با داشتن دستور قضایی برای ورود به خانه با کمک همسایه‌ها و گذاشتن نردبان از دیوار بالا رفتند اما وقتی وارد حیاط خانه شدند با دیدن بچه‌ها داخل یک انباری متروکه کنار حیاط با صحنه‌ای هولناک روبه‌رو شدند. دو خواهر ۷ و ۱۵ ساله در حالی که از شدت شکنجه، ضرب و جرح و گرسنگی در یک قدمی مرگ بودند بلافاصله به بیمارستان منتقل شدند.

یکی از همسایه‌ها درباره این حادثه به «ایران» گفت: «در این خانه مردی کارمند با همسر دومش زندگی می‌کند. او حدود سه سال قبل همسر اولش را طلاق داده بود و دو دخترش به نام‌های نارین و آیلین را پیش خودش نگه داشت. او مدتی بعد با زنی ازدواج کرد که از شوهر اولش دو بچه داشت. بعد هم همسرش باردار شد و یک بچه دیگر به دنیا آورد که الان یک سال و نیمه است. از حدود یکی دو ماه قبل ما مدام صدای گریه و جیغ و فریاد نارین و آیلین را می‌شنیدیم. چندبار به در خانه آنها رفتیم که علت را بپرسیم اما نامادری آنها ما را بیرون می‌کرد و جواب درستی نمی‌داد. وقتی موضوع را به مادر بچه‌ها گفتیم و از او خواستیم به بچه‌هایش کمک کند، چندبار به اینجا آمد اما راهش ندادند و نگذاشتند بچه‌هایش را ببیند. تا اینکه روز حادثه ظاهراً پدر و نامادری در خانه نبودند که شنیدیم بچه‌ها فریاد می‌زنند و درخواست کمک می‌کنند. بلافاصله با پلیس تماس گرفتیم و آنها هم برای کمک آمدند. بچه‌ها بشدت آسیب دیده‌اند. نارین که بزرگ‌تر است از چند ناحیه صورت و بدن شکستگی دارد و به علت غذا نخوردن بشدت لاغر شده و موهای سرش ریخته است و آیلین ۷ ساله هم نمی‌توانست صحبت کند. نارین بیماری تیروئید دارد و ظاهراً داروهایش را به او نمی‌دادند. بچه‌ها از گرسنگی و تشنگی نای حرف زدن نداشتند.»

بررسی سلامت روانی پدر و نامادری

حسین رسولی مدیرکل بهزیستی استان کردستان نیز درباره این ماجرا به «ایران» گفت: «از آنجا که وقوع این حادثه شرایط بحرانی ایجاد و افکار عمومی را جریحه‌دار کرده است، بلافاصله اقدام‌های قانونی آغاز شد و رسیدگی به این پرونده در دستور کار قرار گرفت.

متأسفانه وضعیت جسمی نارین ۱۵ ساله بشدت وخیم بود که در بیمارستان کوثر سنندج بستری شده است و تحت درمان جسمی و روحی قرار دارد. آیلین نیز به بهزیستی سپرده شده است و تحت مراقبت قرار دارد. بنده به همراه استاندار و دادستان به بیمارستان رفتیم و از نزدیک وضعیت او را جویا شدیم. به خاطر شدت ضعف، قدرت صحبت چندانی نداشت اما گفت که از چند ماه قبل پدر و نامادری آنها را کتک زده و شکنجه می‌کردند.»

مدیرکل بهزیستی درباره وضعیت پدر و نامادری بچه‌ها نیز گفت: «در حال حاضر پدر بازداشت است و نامادری هم تحت نظر قرارداد و ما دستور داده‌ایم تا با توجه به رفتار عجیبی که با بچه‌ها داشته‌اند هر دو نفر از جنبه روحی و روانی مورد بررسی قرار بگیرند تا مشخص شود سلامت روانی و روحی دارند یا خیر.»

رسولی درباره وضعیت نگهداری بچه‌ها گفت: «با توجه به اینکه مادر بچه‌ها بارها درخواست حضانت کرده ما صلاحیت وی را بررسی می‌کنیم و بچه‌ها را به مادرشان می‌سپاریم. البته استاندار کردستان نیز از محل وزارت راه و شهرسازی یک واحد آپارتمان در اختیار این مادر قرار داده تا با بچه‌هایش مادام‌العمر در آن زندگی کنند. دستور مبله کردن خانه هم صادر شده و مقدمات آن در حال انجام است و بهزیستی نیز پیگیر وضعیت بچه‌ها خواهد بود.»

گفت‌وگو با مادر نارین و آیلین

مادر ۳۴ ساله این دو کودک درباره این حادثه گفت: «من وقتی ۱۹ ساله بودم با پدر بچه‌ها ازدواج کردم و بعد هم نارین و سپس آیلین به دنیا آمدند. وقتی دختر دومم ۴ ساله بود متوجه شدم شوهرم با زن همسایه که خودش هم ۲ بچه داشت، ارتباط پنهانی دارد. وقتی به او گفتم اخلاقش عوض شد و بعد هم کارمان به طلاق رسید. من همان موقع می‌خواستم بچه‌ها را بگیرم با اینکه به خانه پدرم برگشته بودم و شرایط مالی چندان خوبی نداشتم اما می‌خواستم بچه‌هایم با خودم باشند. چندبار هم شکایت کردم اما به جایی نرسیدم. هربار به شوهر سابقم می‌گفتم بچه‌ها را به من بده می‌گفت شکایت تو به جایی نمی‌رسد چون من خودم قانون هستم.»

زن جوان در ادامه گفت: «حتی یک بار دختر بزرگم صدایی برایم فرستاد که می‌گفت پدر و نامادری‌اش او را شکنجه می‌کنند. من هم همان صدا را به دادگاه بردم و قاضی هم دستور احضار آنها را صادر کرد اما وقتی پدر و نامادری به دادگاه آمدند چون بچه‌ها را تهدید کرده بودند، بچه‌ها در دادگاه منکر شدند و گفتند که می‌خواهند با پدرشان زندگی کنند و از زندگی با او راضی هستند. اما بعد از آن وضعیت بچه‌ها بدتر شد.»

وی با بیان اینکه از شوهر سابقش و همسر او شکایت کرده است، گفت: «هر دو باید به سزای عملشان برسند و به هیچ وجه رضایت نمی‌دهم.»

شاید کودکی در انتظار کمک ما باشد

بی‌تردید قصه تلخ و پر درد این دو خواهر اولین و آخرین حکایت پرغصه کودکان نبوده و نخواهد بود. چه بسا در گوشه گوشه این کشور هزاران آیلین و نارین دیگر زیر دستان پدر، مادر، نامادری و ناپدری و بدسرپرستان دیگری هر لحظه در حال شکنجه‌های روحی و جسمی قرار دارند و کسی هم از درد آنها آگاه نیست. این حادثه زنگ خطری برای همه ماست تا با دقت بیشتری به اطرافمان نگاه کنیم و در قبال زندگی و شرایط اطرافیانمان به خصوص کودکان احساس مسئولیت بیشتری داشته باشیم؛ شاید کودک دیگری چشم انتظار کمک ما باشد.

اجاره آدمکش برای انتقام خون برادر

گروه حوادث/ کامران علمدهی: مردی که متهم است ۳ مرد مسلح را اجیر کرده تا مسببان قتل برادرش را بکشند، در حالی محاکمه شد که یکی از متهمان قبل از جلسه دادگاه در زندان جان باخته بود.

به گزارش «ایران»، خرداد سال ۱۴۰۳ گزارش درگیری مسلحانه و مرگبار در غرب تهران به پلیس اعلام شد. با حضور مأموران و بررسی‌های اولیه مشخص شد درگیری میان سرنشینان دو خودروی کادیلاک و بنز رخ داده و در جریان آن دو نفر از سرنشینان خودروی بنز به نام‌های ارسلان و کیومرث با شلیک گلوله‌های متعدد در داخل خودرو جان باختند و راننده به نام بهرام نیز به شدت مجروح شده است. در ادامه پلیس با بررسی دوربین‌های مداربسته یکی از سرنشینان خودروی کادیلاک به نام مهیار را که از سابقه‌داران بود، شناسایی و دستگیر کرد.

اعتراف به قتل به قصد انتقام

مهیار در بازجویی‌های اولیه به قتل ارسلان و کیومرث با همدستی دو نفر دیگر که از سرنشینان خودروی کادیلاک بودند اعتراف کرد و گفت: «دو سال قبل ارسلان و کیومرث و بهرام، در قتل برادر یکی از دوستان نزدیک‌مان به نام خسرو دست داشتند که پرونده آن هنوز مفتوح است. با اینکه متهم اصلی دستگیر شده بود اما خسرو در این دو سال خیلی تلاش کرد تا همدستان او را پیدا کند. چند ساعت قبل از درگیری یکی از دوستان‌مان از داخل یک مجلس عروسی عکسی را برای خسرو فرستاد که نشان می‌داد متهمان در عروسی هستند و همان موقع خسرو از ما خواست تا برای تسویه حساب به سراغ آنها برویم.» پس از این اعترافات، فریبرز و شاهین و تیمور هم دستگیر شدند. اما تیمور مدعی شد عکس را به قصد نشان دادن مجلس عروسی برای خسرو ارسال کرده بود و نقشی در جنایت نداشته است. در ادامه خسرو نیز دستگیر اما کاملاً منکر ماجرا شد. به این ترتیب تیمور با قرار وثیقه آزاد شد و برای مهیار، فریبرز، خسرو و شاهین کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. اما چند هفته مانده به برگزاری جلسه رسیدگی مهیار در زندان به مرگ طبیعی فوت کرد.

در دادگاه چه گذشت؟

در آغاز جلسه اولیای دم دو مقتول درخواست قصاص کردند. سپس فریبرز به جایگاه رفت و گفت: «ما با آن ۳ نفر اختلاف داشتیم اما قصد ما کشتن آنها نبود و فقط می‌خواستیم آنها را ادب کنیم.» شاهین هم گفت: «روز حادثه ۳ نفری به آنها شلیک می‌کردیم اما من هدفم شلیک به خودرو و لاستیک آن بود.»

در پایان هم خسرو به جایگاه رفت و با رد اتهامش گفت: «ما همگی رفیق هستیم من کسی را اجیر نکرده‌ام و در ماجرای قتل‌ها دست نداشته‌ام. درست است که دو سال قبل برادرم را به قتل رسانده بودند اما آن پرونده در حال رسیدگی است و متهم به قتل برادرم در زندان است.»

قاضی به خسرو گفت: «اما مهیار پیش از فوت و در مراحل بازجویی ادعا کرده بود که توسط شما اجیر شده بود.»

خسرو جواب داد: «نمی‌دانم چرا چنین موضوعی را مطرح کرده بود اما من هیچ نقشی در این ماجرا نداشتم.»

با پایان جلسه، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

شهادت مأمور پلیس از سوی مرد معتاد

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ عامل شهادت مأمور کلانتری ۱۴۰ باغ فیض، در کمتر از چهار ساعت با تلاش پلیس دستگیر شد.

به گزارش «ایران»، ساعت ۱۰:۳۰ شامگاه ۱۳ خرداد، مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض با اعلام یکی از همکارانشان راهی پارکی در محدوده جنت‌آباد شدند.

آنها با ورود به پارک، همکارشان را دیدند که از ناحیه کتف هدف گلوله قرار گرفته و اسلحه او روی زمین افتاده است. با انتقال سریع ستوان سوم «محمد شاهی» به بیمارستان، اما تلاش کادر درمان بی‌نتیجه ماند و مأمور جوان تسلیم مرگ شد. گزارش مرگ مأمور کلانتری باغ فیض به بازپرس محمدجواد شفیعی اعلام شد و به دستور بازپرس جنایی، تیم بررسی صحنه جرم وارد عمل شدند. با شناسایی هویت متهمان، کارآگاهان پس از هماهنگی‌های قضایی به مخفیگاهشان رفتند اما آنها فرار کرده بودند. در ادامه تحقیقات و در کمتر از ۴ ساعت پس از جنایت، کارآگاهان جنایی پی بردند یکی از متهمان در خانه اقوامش در شهرک ولیعصر مخفی شده است. زمانی که مأموران با مجوز قضایی وارد خانه شدند، متهم را که در زیرزمین پنهان شده بود و قصد فرار داشت با شلیک گلوله دستگیر و برای درمان به بیمارستان منتقل کردند.

از موادفروشی تا جنایت

مرد میانسال که بارها به اتهام مواد مخدر بازداشت شده و هر بار بعد از آزادی دوباره به کار خود ادامه داده است، درباره جنایت خود گفت: «من به همراه دو نفر از معتادان داخل پارک سرگرم مصرف مواد مخدر بودیم که ناگهان مأمور کلانتری را بالای سر خودمان دیدیم. ظاهراً یکی از همسایه‌ها موضوع را به پلیس خبر داده بود، مأمور کلانتری هم خودش را به پارک رساند تا ما را دستگیر کند.»

بعد چه اتفاقی افتاد؟

او با اسلحه‌ای که به همراه داشت به سمت ما آمد، می‌خواست ما را بازداشت کند که من فرار کردم. اما چند قدمی نرفته بودم که دوباره برگشتم و به سمت مأمور جوان رفتم. او تنها بود و با دیدن من، اسلحه را به طرفم گرفت و دو همدستم نیز از فرصت استفاده کرده و به کمک من آمدند و او را محاصره کردند. ما با هم درگیر شدیم و می‌خواستم اسلحه را از او بگیرم که تیری شلیک و مأمور جوان زخمی شد. از آنجایی که هنگام ورود به پارک به همکارانش بی‌سیم زده و درخواست کمک کرده بود، می‌دانستیم که آنها به‌زودی به آنجا می‌آیند، برای همین بلافاصله از محل فرار کردیم.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۰۴۱**

جدول عادی

افقی

۱- آن که معمولاً چیز بد را به جای چیز خوب انتخاب می‌کند - مولد برق
۲- دایی - فیلمی از محمدعلی نظریان - کارمند
۳- دوبیتی - رها کردن گلوله - جنس رویه دندان
۴- اسب چاپار - چاشنی گوجه‌ای - بنیانگذار و رهبر حزب کمونیست - رغبت
۵- اشاره به دور - پرده‌دری و بی‌شرمی - ممکن
۶- این شهر در جنوب اصفهان واقع است و از قطب‌های توریستی این استان می‌باشد - زینتی برای مژه‌ها - حرف تأسف
۷- رهایی از خطر یا وضع دشوار - خلاقیت، نوآوری - یقه جدولی
۸- اصرار - رود مرزی - معاون و دستیار
۹- قوم باستانی آریایی - آباژور و آفتابگیر - شهر سیمان
۱۰- معطرکننده چای و شیرینی - تکان خودمانی - برادر خواهر غیرهم‌خون
۱۱- تزویر کننده - نالوطی - زیاده‌خواهی
۱۲- گروه مردم چادرنشین - جست‌وجو، تفحص - خطاب نزدیک - دام جانوران
۱۳- بی‌صدایی - برقرار - تخت سلطنت
۱۴- حرفه‌ای در صنعت و زیرگروه نخستین صنایع چوب - مرکز «انگلیس» - جناح چپ
۱۵- داوطلب - حریق

عمودی

۱- کتابی داستانی به فارسی در ده باب از دقیقی مروزی - غذایی پرطرفدار
۲- دوستان، رفقا - کوه‌ها - همگی
۳- جوابش واجب است - پایتخت لیدیه - تیمی در لیگ برتر با سرمربیگری مازیار زارع
۴- فام - مثل - پایان‌نامه - شکننده
۵- وجود - پول فلزی سکه خورده - حرف تمسخر
۶- شهر ایستاده - همسر ابراهیم نبی - دعاها
۷- ذکاوت - ماشینی برای برداشت محصولات - بلندمرتبه
۸- با «یللی» آید - سبزی ریشه‌دار - امر به نشستن
۹- ماه میلادی - نامی برای دختران - دوش‌انداز
۱۰- اکسیر - می‌گویند نیمی از دیدار است - کلید موسیقی
۱۱- حرف مفعولی - خوراکی از تخم‌مرغ - کافه
۱۲- ابوالبشر - بیماری جگرسوز - واحد بوکس - معشوقه «رامین»
۱۳- زمان‌سنج - به شیوه نوشتاری سخن گفتن - جبون
۱۴- نوعی جنس رویه کفش - از عناصر معماری ایرانی - نام دیگری برای بانوان
۱۵- واحد پول خودمان - لِم کار

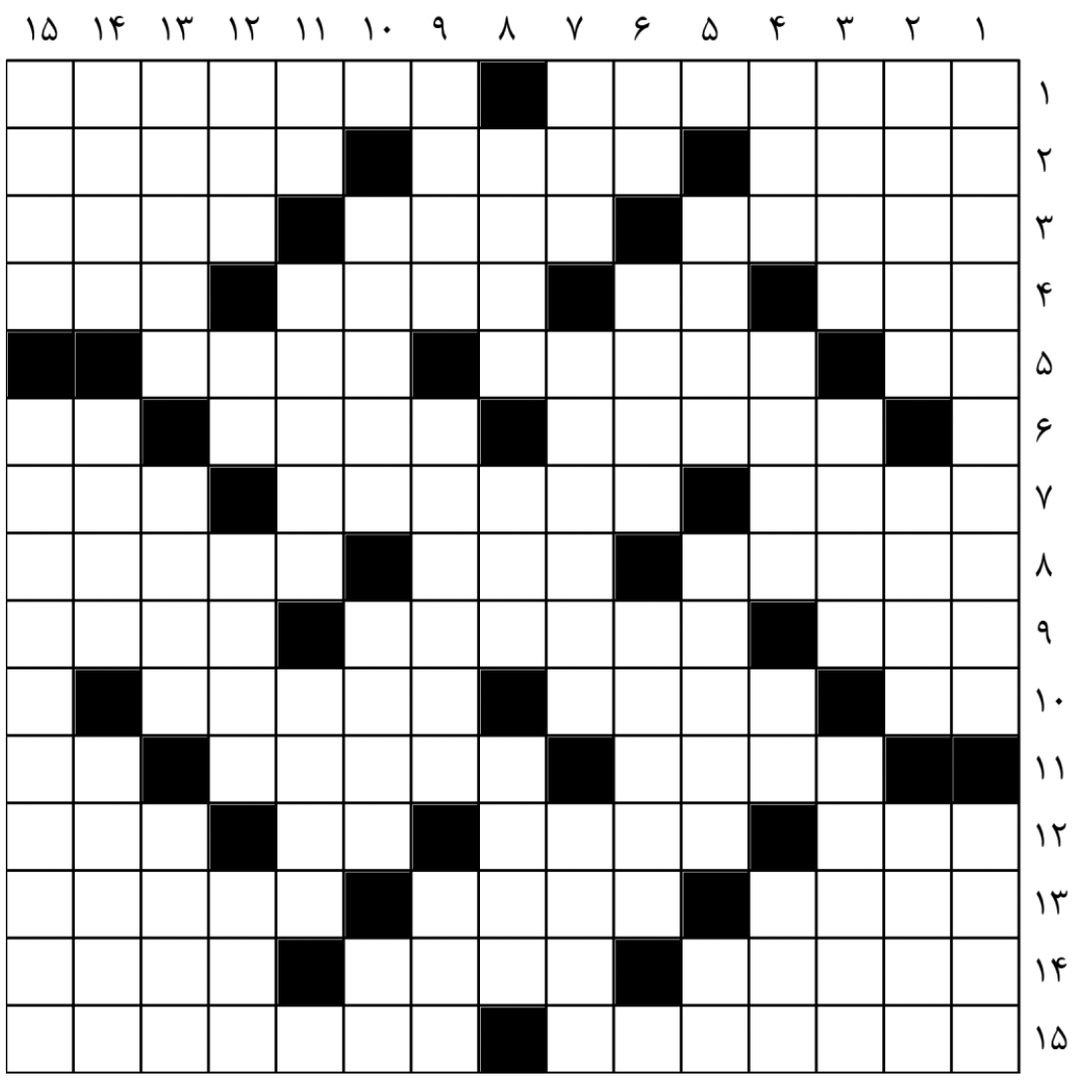

جدول ویژه

افقی

۱- به ناحیه پیرامون قطب شمال گفته می‌شود - سریال سعید نعمت‌الله
۲- از اعداد ترتیبی - نوعی رنگ سبز - گنجینه
۳- نام پسرانه - کشنده - خاکستری تیره
۴- همان نک است - خرس فلکی - منگوله - از بند رسته
۵- شیرینی خامه‌دار - گوشواره هندوستان - دورنگار
۶- بالادست - پیام‌رسان ایرانی - عمو
۷- اشعه نافذ - سریالی با بازی ایرج نوذری - فرو بردن از راه گلو
۸- درد و مرض - بی حاصل - زیرزمین عمیق
۹- کهنسال - پیروز و موفق - دارنده
۱۰- کلام تردید - سران و امرا - حرامی
۱۱- محله تهران - کاری در زراعت - نشان مفعول
۱۲- از مکافات عمل غافل .... - عاشق و شیفته - جشن مردم ویتنام - قالبی در شعر
۱۳- با پالایش این گاز اتیلن به‌دست می‌آید - ریزه کردن نان در آبگوشت - غذای فرنگی
۱۴- شاعر زن - عمل روییدن - نقاش فرانسوی
۱۵- ضربه پا در شکم در تکواندو - پیشرو قافله

عمودی

۱- بازیگر فیلم «شهرهرت» - نام مستعار «ماریا شاراپووا» تنیس‌باز روس
۲- رایزن - قانون چنگیز خان مغول - عجله
۳- کرم شب‌تاب - بیماری کهنه - قوانین
۴- تاجریزی - مادر ملت‌ها در تورات - فرمان اتومبیل - امر از نرفتن
۵- در شعر همراه قافیه می‌آید - .... مکن چرخ نیلوفری را - با دست به جلو راندن
۶- پایه - قطعه سیمانی - وسیله سر خوردن روی یخ
۷- پشیمانی - فیلم محمد مهدی عسگرپور - راه خروج
۸- شرط بندی - تیم یونانی - تازه زاییده
۹- نوعی زیرانداز - باتری - از تقسیمات ارتش
۱۰- مرغوبیت و مطلوبیت - نوعی هواگرد - فیلم «اروینگ پیکل»
۱۱- آب سرمازده - رشته‌کوهی در غرب و جنوب ایران - فیلم رحیم بهبودی فر
۱۲- در حضور - ظرف سرکه - هر چه باشد، دست خداست - خمیازه
۱۳- دانه ارزن - امر به دانستن! - اشاره با چشم و ابرو
۱۴- ابزاری در مطبخ - درمان - باغبان درخت انگور
۱۵- آماده - اثر تاریخی تایلند

حل جدول عادی شماره ۹۰۴۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	ا	ح	ر	■	ق	ل	ع	ه	ی	ز	د	ر	ح	د
۲	ا	ی	ا	ب	■	ر	ا	ق	م	■	م	و	ا	ز	ی
۳	د	ا	ر	ا	ب	■	م	ر	ت	ب	■	ک	ر	ا	ن
۴	ه	■	س	ی	ا	م	■	ب	ا	ر	ک	■	ا	ز	ا
۵	ل	ا	■	ش	ق	ی	ق	ه	■	م	ن	ن	ژ	■	م
۶	و	ت	ر	■	ر	ب	ا	■	ب	ل	و	ر	■	م	ی
۷	ح	ا	س	د	■	ب	د	ب	س	ت	ا	ن	■	ا	ت
۸	■	ت	م	ک	ن	■	ل	و	ا	■	ی	ا	و	ر	■
۹	د	ر	ی	■	ا	ر	م	ا	ن	ی	■	ب	ز	ش	ک
۱۰	س	ک	■	د	و	ح	ه	■	ی	ب	س	■	ه	ا	ن
۱۱	ت	■	ب	ر	چ	م	■	ش	ک	ا	ی	ت	■	ل	چ
۱۲	ا	م	ر	■	ه	ت	ا	ک	■	ب	ر	■	م	■	ک
۱۳	م	ی	خ	ک	■	ی	م	ی	ن	■	ا	ک	ر	ه	ا
۱۴	و	ا	ر	و	ن	■	ل	ب	ا	س	■	چ	و	ج	و
۱۵	ز	ن	چ	ب	ی	ل	ش	ا	م	ی	■	م	ر	ی	ی

حل جدول عادی شماره ۹۰۴۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	خ	ا	ر	ا	■	چ	ا	د	ه	م	ه	ا	ل	و	د
۲	ر	س	ا	م	■	ت	و	ر	م	■	ب	ق	ا	ی	ا
۳	ا	د	ک	ل	ن	■	چ	د	ا	ر	■	ل	ی	د	ر
۴	س	■	ت	ا	ر	ا	■	س	ی	ا	ف	■	و	ا	ی
۵	ا	ب	■	ک	م	ی	س	ر	■	م	ا	و	س	■	و
۶	ن	ا	ب	■	ک	د	و	■	ا	ی	ی	ن	■	ا	ف
۷	ی	ز	ل	ه	■	ز	د	و	ب	ن	د	■	ه	ل	و
۸	■	د	ب	ی	ر	■	ا	ی	س	■	ه	ی	م	ه	■
۹	ل	ی	ل	■	گ	ا	ب	ر	و	ن	■	س	د	ی	م
۱۰	ی	د	■	ا	ب	س	ه	■	ا	ر	چ	■	م	ا	ه
۱۱	ز	■	ت	م	ا	م	■	م	ر	د	م	ک	■	ت	ا
۱۲	و	ز	ن	■	ر	ا	ن	ا	■	ه	ا	ل	و	■	ر
۱۳	ز	ی	ا	ن	■	ن	ی	ن	ی	■	د	ی	ا	ن	ا
۱۴	و	ر	و	ن	ا	■	س	ت	ب	ر	■	پ	ک	ی	چ
۱۵	م	ا	ر	گ	ر	ی	■	ت	و	س	ت	■	س	ر	ه